

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۱۹ #

فهرست مطالب:

۲ - توافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱ - تصویب صورت مجلس

۲ - بقیه شور اول لایحه اجرائی احکام لزامه ۱۱۱ تا ۱۱۰

مجلس يك ساعت پیش از ظهر بریاست آقای استندبازی تشکیل گردید

صورت مجلس روز يك شنبه ۲۹ دی ماه را آقای (طوسی) منشی خواندند #

رئیس - ماده ۱۱۲ :

۱ - تصویب صورت مجلس |

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (اظهاری نمود)

صورت مجلس تصویب شد .

۲ - بقیه شور اول لایحه اجرائی احکام دادگستری
از ماده ۱۱۱ تا ۱۸۰ |

رئیس - شروع میشود به بقیه شور اول لایحه اجرائی احکام دادگستری . ماده صد و یازدهم خوانده میشود .

فصل دوم - تسلیم عین مورد حکم

ماده ۱۱۱ - هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول است و برای مأمور اجراء ممکن است که گرفته به محکوم علیه تسلیم نماید مأمور اجراء عین آنرا گرفته و بدیحق خواهد داد و اگر برای تسلیم محکوم به یا تخلیه عمل مدتی لازم باشد مدیر اجراء باندازه لزوم مهلت خواهد داد .

ماده ۱۱۲ - در صورتیکه بعد از صدور حکم قطعی عین محکوم به که در تصرف محکوم علیه بوده است انتقال یا تصرف دیگری داده شده باشد این انتقال یا تصرف غیر مانع اجراء حکم نمیشود و همچنین اگر قبل از صدور حکم محکوم به در تصرف غیر بوده و تصرف غیر بعنوان اجراء یا عاریه و امانت آن بوده باشد این تصرف نیز مانع اجراء حکم نخواهد شد .

رئیس - ماده ۱۱۳ :

ماده ۱۱۳ - اگر کسی غیر از محکوم علیه در محکوم به منصرف باشد و قرائنی موجود باشد بر اینکه تصرف منصرف از طرف محکوم علیه بوده و بطور استقلال است مدیر اجراء مهلت کافی برای رجوع و تصرف به دادگاه میدهد در این صورت

۱ - سابق ۱۷۵ و آخر ۱۱۲

عین مذاکرات مشروح هفتاد و ششمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین با ابلهه - آقایان : شهردست - طائی و رحمت سببی - فاطمی - دکتر سببی - خواجہ نوری -
غالبین بی ابلهه - آقایان : میرزا نوری - تاج الاسلامی - مدد - کامل ماکو - جزوقانی - مشیردانی - اعظم زنگه - کربان -
دیر آمده اکن بی ابلهه - آقایان : مرتضی علی یکتا - لطفانی - قاضی - تیکرور .

اگر فراری الزامگاه دایر بنامخیر اجراء حکم صادر گردیده عملیات اجرایی بنامخیر میباشد والا اقدام با اجراء حکم بیکرود.
رئیس - ماده ۱۱۴ :

ماده ۱۱۴ - اگر درحالی که حکم پخش شده آن شده است اموالی از محکوم علیه یا دیگری باشد و صاحب آن حاضر برای بردن اموال نشود و با صاحب مال غایب باشد در صورتیکه اموال از قبیل اسناد و وجوه نقد باشد در متوقف دادگستری یا یکی از بانکهای معتبر امانت گذاشته میشود و در صورتیکه اموال محتاج بپاکسازی برای حفظ باشد در محلی گذاشته شود و صاحبش اطلاع میشود که برای بردن آن حاضر شود و اگر تا سه ماه از تاریخ ابلاغ بنا حاضر نشد فروخته شده و هزینه حفظ مال و ارفاق پرداخت میشود و باقیمانده امانت میماند که بساحتش داده شود. و هرگاه بپای اموال مناسب باشد هزینه حفظ آن باشد و با اموال از انضامی فاسد شدنی باشد بدون رعایت مهلت مزبور فروخته میشود.

رئیس - ماده ۱۱۵ :

ماده ۱۱۵ - در صورتیکه محکوم علیه تخلیه ملک است یا اگر محکوم علیه غایب باشد حکم با حضور راننده دادرس یا اموال شهر باقی یا اتمیه یا دهبان محل اجراء میشود.
رئیس - ماده ۱۱۶ :

ماده ۱۱۶ - در صورتیکه عین محکوم به تلف شده یا دسترس بآن نباشد اجراء باید با اجازه دادگاه مثل یا بجای محکومیه را از محکوم علیه وصول نموده و به محکوم بدهد.
رئیس - ماده ۱۱۷ :

ماده ۱۱۷ - در صورتیکه باید بپای محکوم به داده شود و چای آن معلوم نباشد و بین طرفین ترسانی درجا نشود اجراء بدادگاه اطلاع میدهد که بوسیله کارشناس یا ترتیب مناسبی در دادگاه بپای محکوم به معین شود.
رئیس - ماده ۱۱۸ :

ماده ۱۱۸ - اگر محکوم به عینی باشد که قابل ارزیابی نباشد مانند حکم بردن طفل یا پدر و امثال آن و محکوم علیه از رد محکوم به امتناع نماید بدرخواست محکوم علیه محکوم علیه

دادگاه توسط کارشناس مقدار هزینه معین شود. هزینه کار شناس را محکوم بپردازد و از محکوم علیه وصول خواهد شد.
رئیس - ماده ۱۲۲ :

ماده ۱۲۲ - در صورتیکه انجام عمل محکوم به از غیر محکوم غایب ممکن نباشد اداره اجراء امتناع محکوم علیه را بدادگاه گزارش میدهد و دادگاه بدخواست محکوم علیه رسیدگی نموده و میزان ضرر و زیان ناشی از عدم انجام عمل را معین و دستور وصول آرا صادر میکند.
رئیس - ماده ۱۲۳ :

ماده ۱۲۳ - در صورتیکه در ملک مورد حکم زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد پرتیب زیر رفتار میشود.
رئیس - پیشنهاد کنیده بکلیه - چون رجوع میشود - ماده ۱۱۹ خوانده میشود :

ماده ۱۱۹ - اگر محکوم به قسمت اشاع از مال غیر منقول باشد بنحو اشاعه تصرف محکوم له داده میشود با التزام از محکوم علیه گرفته میشود که مزاحم تصرف محکوم له نشود.
رئیس - ماده ۱۲۰ :

ماده ۱۲۰ - در صورتیکه محکوم به قسمت اشاع از مال منقول بوده و آن مال قابل تقسیم باشد بنقشای محکوم له و یا محکوم علیه تقسیم و سهم محکوم له بشتر قرض داده میشود و اگر قابل قسمت نباشد بدرخواست محکوم له و یا محکوم علیه فروخته شده و بپای آن تقسیم میشود و اگر در ترتیب فروش راضی نشود پرتیب از فروخته خواهد شد.
رئیس - ماده ۱۲۱ :

ماده ۱۲۱ - هرگاه محکوم به انجام عمل معین نباشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع نماید و انجام آن توسط شخص دیگر ممکن نباشد محکوم له میتواند با اطلاع مدیر اجراء توسط شخص دیگر آن عمل را انجام دهد و یا اجراء توسط شخص دیگر آن عمل را انجام دهد در صورت هزینه آن پرتیبی که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است از محکوم علیه وصول خواهد شد اگر ندین مقدار هزینه محتاج بکارشناس باشد اداره اجراء بدادگاه اطلاع میدهد که در

رئیس - ماده ۱۲۶ :

ماده ۱۲۶ - در مورد محکومیت اشخاص بنقیر نام بازرگان

و امثال آن مفاد بر کساجرایی بدخواست ذنبع به اعداوت مربوطه ابلاغ میشود که مفاد حکم را رعایت نمایند.
رئیس - ماده ۱۲۷ :

ماده ۱۲۷ - در مورد اجرای حکم بکلیه بر کساجرایی به محکوم علیه ابلاغ میشود و اگر ندین بکلیه حق نفقه ندارد مگر اینکه مستحق نفقه خود را در دادگاه ترتیب قانونی ثابت نماید.
رئیس - ماده ۱۲۸ :

ماده ۱۲۸ - در صورتیکه محکوم به وجه نقد باشد و یا از محکوم علیه باید وجه نقد گرفته شود اجرائی حکم بوسیله توقیف مال یا توقیف شخص محکوم علیه ترتیب مذکور در مواد بعد بعمل میآید لیکن اگر در مقابل دین وثیقه باشد مالی که وثیقه است مقدم بر اقسامات مذکور برای اجرائی حکم بقروض خواهد رسید.
رئیس - ماده ۱۲۹ :

ماده ۱۲۹ - با سوم - در توقیف اموال فصل اول - مواد عمومی

ماده ۱۲۹ - توقیف بر دو قسم است. توقیف تأمینتی - توقیف اجرائی.
رئیس - ماده ۱۳۰ :

ماده ۱۳۰ - توقیف تأمینتی آن است که برای حفظ حق مدعی یا محکوم له و یا در مورد دادرسی نوری برای حفظ حق اشخاص ذنبع بعمل میآید و مدعی علیه یا محکوم علیه یا طرف اشخاص نامبرده از تصرف در مال خود موقتاً منع میشود تا وقتی که حکم صادر و قطعی شده و یا بجای فرار تأمین مرتفع شود.
رئیس - ماده ۱۳۱ :

ماده ۱۳۱ - توقیف اجرائی آن است که اموال محکوم علیه توقیف میشود برای فروش و ادا محکوم به.
رئیس - ماده ۱۳۲ :

ماده ۱۳۲ - در توقیف تأمینتی ندین اموال برای توقیف یا درخواست کننده توقیف است و طرف در معرفی مال برای توقیف تکلیفی ندارد.
رئیس - ماده ۱۳۳ :

ماده ۱۳۳ - در صورتیکه محکوم علیه محکوم علیه

رئیس - ماده ۱۳۳ :

ماده ۱۳۳ - در توفیق اجرائی محکوم علیه باید مالی را که برای فروش و ادا محکوم به مناسب است معین نماید.

رئیس - ماده ۱۳۴ :

ماده ۱۳۴ - توفیق نامیاتی بشرطی که در آیین دادرسی مدنی مقرر است عمل نمآید.

رئیس - ماده ۱۳۵ :

ماده ۱۳۵ - توفیق نامیاتی بعد از تظلمی شدن حکم اصل تقنین بر محکومیت طرف تبدیل به توفیق اجرائی خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۳۶ :

ماده ۱۳۶ - مالی که توفیق میشود باید قابل تقویم و ملک محکوم علیه باشد.

رئیس - ماده ۱۳۷ :

ماده ۱۳۷ - ممکن است توفیق اموال بآه موری غیر از مأموریکه اجراء حکم بر او گذار شده است واکذار شود.

رئیس - ماده ۱۳۸ :

ماده ۱۳۸ - در صورتیکه محکوم علیه در موعده یکبار برای اجرائی حکم طوعاً مقرر شده است حکم را اجراء ننماید با قراردی با محکومله برای اجراء حکم بدهد محکومله میخواند درخواست کند که از اموال محکوم علیه مصادف محکوم به توفیق شود.

رئیس - ماده ۱۳۹ :

ماده ۱۳۹ - محکومله که درخواست توفیق مالی نماید باید هزینه توفیق و حفاظت مال را به بقاری که مدبر اجراء معین میکند بدو آید برود.

رئیس - ماده ۱۴۰ :

ماده ۱۴۰ - اجرائی است درخواست توفیق متهمی در ظرف سه روز باید اقامه توفیق اموال نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد در ظرف مدت سه روز توفیق مال را دادگاه کسی که مال در حوزه واقع است بخواند.

رئیس - ماده ۱۴۱ :

ماده ۱۴۱ - در صورتیکه اموالی در مقابل چند نفر

توفیق خارج نمیشود. این جزء اول واضح است و اشکالی ندارد و جزء دوم میگوید در صورتی که پیش از آن عملیات اجرائی را تعقیب نکرده هر یک از بستگان گرفتار میشوند عملیات اجرائی را تعقیب نمایند اینجا می آید تکلیف را روشن میکند نسبت به موردی که پیشی دیال کرده باشند اجرائی حکم را و پیشی دیال کرده باشند نسبت به اشخاصی که تعقیب دارند البته بشقاعی آنها تعقیب میشود و بوقع اجرا گذاشته میشود. نسبت به اشخاصی که تعقیب ندارند البته مراعی میماند تا وقتیکه آنها تقاضای تعقیب بکنند این مطلب اهم است چه در توفیق باشد چه در ابطال و بنده صور دیگر هم اجالی در ماده نیست که توفیق اشکالی میکند و کاملاً مطلب روشن است.

رئیس - ماده ۱۴۲ :

ماده ۱۴۲ - اگر مأمور اجراء مشاهده کند مالی را که میخواهد توفیق کند قبلاً در مقابل دین دیگری توفیق شده است مجدداً آنرا توفیق نمیکند لیکن مراب را به بقاری که قبلاً توفیق نموده است اصلاح میدهد و در این صورت توفیق آن مال برای هر دو طلب محسوب میشود لیکن اگر علاوه بر مالی که توفیق شده است مالی را محکوم علیه باشد آن مال نیز توفیق خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۴۳ :

ماده ۱۴۳ - متقاضی که پس از توفیق در اموال توفیق شده پیدا میشود در حکم خود آن اموال است.

رئیس - ماده ۱۴۴ :

ماده ۱۴۴ - در مواردیکه باید توفیق مرتفع شود ابلاغ دستور رام بدخواست کننده توفیق لازم نیست.

رئیس - ماده ۱۴۵ :

ماده ۱۴۵ - توفیق مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد و متصرف نسبت بان اداء مالکیت کند و ا اموال را منتقل دیگری معرفی کند ممنوع است.

رئیس - ماده ۱۴۶ :

ماده ۱۴۶ - در صورتیکه اموال مدیون پیش از ثبت

توفیق شده باشد آن مال از توفیق خارج میشود مگر با موافقت تمام آنها و اگر بعضی از آنها عملیات اجرائی را تعقیب نکنند هر یک از بستگان گرفتار میشوند عملیات اجرائی را تعقیب نمایند.

رئیس - آقای اوحیدی

اوحیدی - يك قسمت عرایض بنده در اطراف این مواد برای این است که با آقای وزیر دادگستری و با آقای مخبر کمیسیون در اطراف آن توضیحی بدهند برای سهولت عملیات مأمورین اجرائی با دادگاهی که اکثر آنها رجوع شده است و اینند نمیتوان این عرایض بنده را بر ادعای لایحه با ماده قرار داد. يك اجالی است که استخراج توضیح نیست و هر کدام از آقایان نامبرده توضیح بدهند که بوسیله این توضیح تکلیف آنها معلوم بشود ضرری نخواهد داشت. این ماده دارای دو قسمت است در قسمت اول نوشته شده که در صورتیکه اموالی در مقابل طلب چند نفر توفیق شده باشد از توفیق خارج میشود مگر با موافقت تمام آنها. در قسمت دوم اشارت میدارد که اگر پیش از آن توفیق نخواستند عملیات اجرائی را تعقیب کنند پیشی دیگر میخواند. منشی این قسمت دوم این است که اگر صاحب طلب تعقیب رufe اجرائی را کرد و حقش ثابت شد مطابق ذیل این ماده باید حق او از این اموال توفیق شده از توفیق خارج شود و بنده است او داده شود ولی مطابق صدر این ماده باید موافقت همه جلب شود تا از توفیق خارج شود. این نظر بنده يك اجمال و اشکالی را ایجاد میکند و مقصود است آقای وزیر دادگستری توضیحاً بفرماید که اگر بعضی تعقیب نکرده و آن پیشی دیگر تعقیب کردند با از توفیق خارج شده و حق به محکوم له خواهد رسید با غیر؟

وزیر دادگستری - توجه باصل ماده تصور میکنم رفع اشکال نمائید محترم را بکنند برای اینکه در اینجا گفته شده است در صورتیکه اموالی در مقابل طلب چند نفر توفیق شده باشد آن مال از توفیق خارج میشود مگر با موافقت تمام آنها. بدین معنی است اگر يك عده تقاضای توفیق مال را کردند تا زمانی که آنها موافقت نکرده باشند آن مال از

اموال دارند و خانم ها و زنها بیعت دارند بنده این را بر خلاف عرض میکنم يك تریبی هست (یعنی از همانند کان - این طور بست اشتباه میکند)

الطاهر - بنده اشتباه میکنم مادر اینجا می آیم و تفسیر میکنم و این ها را در مالک مستقل قرار میدهم و مأمور اجرا که بعد می آید اینها برای اینکه توفیق میشود شاید يك تریبی قائل بودند پس در این باره آن عمل اجرائی گذشت بنده بیسم الله ماین زن و مرد يك زواج را میخواهد کرده ام که خواسته ام کاری بکنیم - در آخر ماده نوشته میشود که هر چه مال در خانه است اشترک است و این که بر سهیل مطلق کنتم اشترک است مرد که بخواهد ثابت کند دلالت قرآن بیادرد دلالت قرآن از کج بیادرد تفسیر کنید میشود بنده به این که بنده بخواهم نظری داشته باشم والله عقیده دارم که این ماده با این ترتیب اسباب اشکال میشود که دو ساله سه ساله يك مستقل است و میکنند در يك زن و يك کانی که توافق بوده است فردا هر يك از اینها دعوی میکنند و چون هم می افتند مامم بنایم وقت کیدان را چه بزنیم و اگر از این ماده صرف نظر کنیم و همانطور که در قانون آنگین دادرس مدعی راجع به مالکیت زن و شوهر نوشته شده عمل کنیم بهتر است تا اینکه ما بناییم در اینجا يك جنگه دائمی در دست کنیم حالا عقیده ام :

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - در يك قسمت حق با آقای انوار است حالا بنده با آن قسمت که فرمودند کاری ندارم و بطور کلی تولید اشکال زحمت در مراحل زندگانی میکند اگر مرد از اموال مشترک چه چیز است که زن بخواهد بچون مرد قاعده يك صودی از زوج میگیرد و صورت هم بعضی پناه است زوج است و ممکن است در دفاتر رسمی هم ثبت شود و همین شود که حق زوج و مالک زوج در این خانه چه چیزهایی است و از آن چیزها که گذشت باقی خانه محکوم به مالکیت زوج است دلیل ندارد که آنچه از خصیصه زن با شوهر است بملکیت مرد شود باشد خانه ملک زوج است و هر چه هم در آن

جهانفاهی - عقیده بنده با آقای مؤید احمدی اظهار داشتند بنده دیگر عرض ندارم.

رئیس - آقای اوزار :

اوزار - این را که آقای مؤید احمدی بیان کردند منظور بنده نبود منظور بنده بعنوان تراکت بود که دره شرق زمین تراکت مابین زن و شوهر طوری است که زنها بیشتر بوشهران خودشان را مستعمل میکنند این بیان نظر تراکت خانه های مشرق زمین بود.

وزیر دادگستری - بنده تصور میکنم متاسفانه عدم توجه به ماده تولید این صحبت ها را کرده و اصافاً جای این صحبت ها بود ماده بخودی خود روشن است و جای اینکه وارد صحبت استقلال زن و مرد دوازدهم هریک بشورم بود برای اینکه حکم کلی مالکیت در قانون مدنی معین شده است و در اینجا پیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد

بیش بینی شده و تکلیفش معلوم است اینجا ماده مقام بیست اجرای احکام هستند و در این ماده بخودس میخواهد تکلیفی را معین کرده باشد برای مأمور اجرا که وقتی میرود مالی را توفیق کند بداند و مالک و مازک و ماخذی در دست داشته باشد که بتواند مأموریت خود را انجام دهد و مالی را که در یک خانه میخواهد توفیق کند تکلیف خود را بداند فرس کنید می رود آنچه برای توفیق اموال زن تیغ صورت فرس را مثلا میبندد این مسلم است حال مرد است این را نباید دست بزند با مأمور برای توفیق مال مرد میروید و طایفه زنانه میبندد مسالمت است نباید آرا توفیق کند در اینجا بیان تکلیف این است که چه باید بکنند اگر مانع کنیم به نام ماده دوازدهم آنچه میبندیم که کاملاً جاوهر فرس را در هر چه اشکالی بشود ماده کرده است برای اینکه ماده میگوید آنچه که مورد استعمال زنانه است مالک زن و آنچه مورد استعمال مردانه است مالک مرد